

آرایش جدید در برابر نبرد جدید

روزنامه جام‌جم در شماره دیروز خود نوشت: پس از شکست‌های پیاپی دشمنان انقلاب اسلامی در عرصه‌های سخت از تحریم و تحرک نظامی گرفته تا آشوب میدانی رویکرد آنان به صورت طبیعی به حوزه‌عملیات نرم تغییر یافت. درک آنان این بود که با فشارهای ترکیبی و تهاجم سخت می‌توانند جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی یا فروپاشی کنند. با وجود سرمایه‌گذاری سنگین، تجهیز گروه‌های مختلف و هماهنگی گسترده رسانه‌ای و امنیتی و جنگ ۱۲ روزه این هدف محقق نشد.

علت اصلی ناکامی آن، انسجام ملی و تاب‌آوری اجتماعی ملت ایران بود؛ عاملی که هر سناریوی براندازی را عقیم گناشت و دشمن را به بازتعریف راهبرد واداشت. در راهبرد جدید، دشمنان به‌جای اولویت دادن به برخورد نظامی، مسیر براندازی نرم را در پیش گرفت‌ه‌اند. هدف این مرحله، تضعیف انسجام ملی، تخریب سرمایه اجتماعی و القای بی‌اعتمادی عمومی است تا از درون، جامعه را به سمت واگرای سوق دهند. در نگاه طراحان این جنگ، وقتی بنیان انسجام اجتماعی از هم گسسته شود، زمینه برای مداخله و فشارهای سخت بعدی فراهم خواهد شد. تأکید اخیر رهبر معظم انقلاب بر ضرورت آرایش جدید رسانه‌ای در واکنش به همین تحول راهبردی دشمن قابل تفسیر است، زیرا در شرایطی که جبهه مقابل با اتکا به ابزار تبلیغاتی و رسانه‌ای در صدد تضعیف همبستگی ملی است، تقویت جبهه روایت، تبیین و آگاهی‌بخشی یک ضرورت غیرقابل تعویق است، بنابراین تغییر آرایش رسانه‌ای کشور نه یک واکنش مقطعی، بلکه بخشی از راهبرد حفظ انسجام ملی و صیانت از امنیت روانی جامعه است. امروز جنگ بیش از آنکه نظامی یا اقتصادی باشد، جنگ معنا، امید و ادراک است. در چنین شرایطی، آگاهی‌بخشی، حضور مؤشمند در فضای رسانه‌ای و بازخوانی دستاوردهای واقعی کشور، مهم‌ترین سپر دفاعی در برابر جنگ نرم دشمن به‌شمار می‌آید.

پیام ضعف نفر ستید

روزنامه کیهان در یادداشتی با بیان اینکه سیاست خارجی هر کشور آینه‌ای از برداشت آن کشور از محیط امنیتی، ظرفیت‌های قدرت ملی و درک واقعی‌اش از رفتار بازیگران بین‌المللی است، نوشت: برای ایران که در یکی از پیچیده‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان قرار دارد و همواره هدف فشارهای مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ بوده‌اهمیت این موضوع دوچندان است. اتخاذ هر تصمیم دیپلماتیک، از سال‌ها پیش پیام سیاسی و حتی نوع ادبیات وزارت امور خارجه می‌تواند بر محاسبات دشمن تأثیر بگذارد، اما برخی رفتارها و رویکردهای سیاست خارجی ایران، به ویژه در قبال آمریکا، اروپا و برخی از همسایگان نشان داده که فاصله‌ای معنادار میان اصول اعلام شده و عملکرد دستگاه سیاست خارجی شکل گرفته‌است. آنچه ایران امروز به آن نیاز دارد تکرار الگوهای گذشته و اقدامات واکنشی و احساسی نیست. جمهوری اسلامی ایران نیازمند تدوین یک راهبرد جامع و عزتمندانه در سیاست خارجی است؛ راهبردی که بر پایه واقعیت‌های قدرت ایران، نیازهای امنیت ملی، تهدیدهای محیطی و اصول انقلاب اسلامی بنا شود. ایران در عمل باید پس از هر اقدام خصمانه آمریکا یا متحدانش، به جای ارسال مکرر پیام ضعف و آمادگی برای مذاکره، پیامی روشن و پابدارنده ارسال کند. مذاکره زمانی از رزمنداست که از موضع قدرت باشد و دشمن را متقاعد کند بدون احترام به خطوط قرمز ایران هیچ مسیری برای گفت‌وگو وجود ندارد. در غیر این صورت مذاکره به جای اینکه ابزاری برای تأمین منافع ملی باشد، به ابزاری برای مدیریت رفتار ایران از سوی دشمن تبدیل می‌شود. نویسنده اضافه کرده است: اگر ایران می‌خواهد در برابر آمریکا و دیگر دشمنان خود به سطح بالاتری از پابدارندگی و اثرگذاری برسد، باید به جای بی‌ضعف، پیام قدرت ارسال کند. در جهانی که هر قدرتی به دنبال پیشینه‌سازی منافع خود است، ارسال پیام‌های اشتباه می‌تواند زمینه‌ساز فشارهای بیشتر و امتیازگیری‌های گسترده‌تر شود.

تراز بودجه نظامی با مختصات سرزمینی

علاالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در یادداشتی برای روزنامه ایران نوشت: جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نشان داد که حمایت‌های بسیار بیشتری از نیروهای مسلح باید در دستور کار قرار گیرد. یک مقایسه ساده بین بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران بااین وسعت عظیم جغرافیایی و بودجه نظامی کشورهای کوچک منطقه خلیج‌فارس نشان می‌دهد که چه فاصله‌ی معناداری در این زمینه وجود دارد و اغلب این کشورها با وجود وسعت جغرافیایی کمتر بودجه نظامی بیشتری دارند، بنابراین حتماً هم حقوق نیروهای مسلح و هم تسلیحات دفاعی و امکانات مورد نیاز نیروهای مسلح که حافظان اصلی تمامیت ارضی و امنیت ملی هستند باید در کنار معیشت مردم در اولویت قرار گیرد و گسترش پیدا کند. در شرایط فعلی که از یک‌سو همچنان احتمال وقوع رویارویی وجود دارد و از جهت دیگر به دلیل در جریان بودن جنگ اقتصادی با محدودیت در درآمدهای نفتی و غیرنفتی مواجهم، انتظار این است که اختصاص بودجه به نهادهای و ردف‌هایی که حائز اولویت نیستند به نفع مسائل دارای اولویت کنار گذاشته یا کاهش داده شود. این ضرورتی است که دولت در تدوین بودجه سال ۱۴۰۵ می‌تواند لحاظ کند و مجلس هم قاعده‌آز آن حمایت خواهد کرد.

قاچاق سوخت، عددهادروغ نمی‌گویند

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: سال‌هاست درباره قاچاق سوخت صحبت می‌شود، اما آنچه کمتر دیده می‌شود، ابعاد واقعی این فاجعه در تراز اقتصاد ملی است. طبق اعلام رسمی مقامات ارشد کشور، روزانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون لیتر بنزین و گازوئیل از کشور قاچاق می‌شود؛ رقمی که معادل حدود ۲۰ درصد مصرف کل کشور است. به بیان ساده، از هر پنج لیتر سوختی که باید در داخل مصرف شود، یک لیتر از مرزها خارج می‌شود. این در حالی است که کشور هم‌اکنون با کمبود بنزین مواجه است و روزانه حتی تا ۸۰ میلیون لیتر بنزین وارد می‌کند. نکته تأمل‌برانگیز این است که حجم واردات سوخت تقریباً برابر با حجم قاچاقی روزانه است، یعنی ما سوخت را با از وارد می‌کنیم و همان سوخت، با یارانه سنگین، از کشور خارج می‌شود. اگر قیمت واردات هر لیتر بنزین یا گازوئیل را حدود ۸۰۰ تومان بگیریم، به نرخ‌های فعلی ارز، هر لیتر سوخت وارداتی نزدیک به ۸۰ هزار تومان برای کشور هزینه دارد. در مقابل، همین سوخت در داخل با قیمت‌هایی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان برای گازوئیل تا نهایتاً ۵ هزار تومان برای بنزین عرضه و سپس قاچاق می‌شود. نتیجه روشن است: زبان سنگین برای دولت و سود نجومی برای قاچاقچی. برای درک ابعاد این سودآوری، کافی است بدانیم در مقطعی که نرخ ارز حدود ۸ هزار تومان بود، سوخت قاچاق بنزین و گازوئیل به بیش از یک‌میلیارد تومان در هر دقیقه می‌رسید. چنین سودی به روشنی توضیح می‌دهد که چرا مقابله با قاچاق سوخت تا این اندازه دشوار شده و چرا هر ساعت تأخیر در مهار آن، هزینه‌ای سنگین به کشور تحمیل می‌کند. قاچاق سوخت فقط یک تخلف اقتصادی نیست، با شبکه‌هایی گره خورده که از این اختلاف قیمت نجومی منتفع می‌شوند. تا زمانی که سیاستگذار به صورت جدی و تدریجی سراغ کاهش این شکاف قیمتی نرود، قاچاق سوخت همچنان یکی از بزرگ‌ترین کالاهای هدررفت منابع ملی باقی خواهد ماند؛ مسئله‌ای که هر روز تعلق در مواجهه با آن، هزینه‌ای سنگین‌تر به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند.

دکتر پزشکیان در دیدار رئیس مجلس اتیوپی عنوان کرد

«بریکس» الگوی تقویت همکاری کشورهای عضو



رئیس‌جمهور با تأکید بر علاقه‌مندی ایران برای توسعه روابط با اتیوپی، تحقق این هدف را مستلزم فعال‌سازی کمیسیون مشترک همکاری، احصای دقیق نقاط اشتراک، شناسایی ظرفیت‌های مکمل و حرکت در مسیر گفت‌وگو، توافق و تفاهم‌مبنی بر منافع متقابل دانست و گفت: بهره‌گیری هدفمند از ساز و کارهای نهادی موجود می‌تواند به تسریع روند همکاری‌ها میان دو کشور منجر شود.

■ ■ ■

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری، دکتر مسعود پزشکیان در دیدار تاگسه جافو، رئیس مجلس نمایندگان اتیوپی با تأکید بر علاقه‌مندی جمهوری اسلامی ایران به توسعه و تعمیق روابط دو جانبه تصریح کرد: ایران آمادگی دارد روابط خود را با اتیوپی در تمامی زمینه‌های ممکن از جمله حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک، فرهنگی و امنیتی گسترش دهد.

رئیس‌جمهور تحقق این هدف را مستلزم فعال‌سازی کمیسیون مشترک همکاری، احصای دقیق نقاط اشتراک، شناسایی ظرفیت‌های مکمل و حرکت در مسیر گفت‌وگو، توافق و تفاهم‌مبتنی بر منافع متقابل دانست و خاطرنشان کرد: بهره‌گیری هدفمند از ساز و کارهای نهادی موجود می‌تواند به تسریع روند همکاری‌ها میان دو کشور منجر شود.

دکتر پزشکیان با اشاره به عضویت مشترک جمهوری اسلامی ایران و اتیوپی در سازمان

بریکس، این چارچوب چندجانبه را بستری ارزشمند و راهبردی برای گسترش تعاملات، تعمیق ارتباطات اقتصادی، سیاسی و نیز مقابله با رویکردهای یکجانبه‌گرایانه در نظام بین‌الملل توصیف کرد و افزود: بریکس می‌تواند الگوی ارتباطی نوینی بر پایه احترام متقابل به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع کشورها ارائه دهد و زمینه‌ساز همکاری‌های عادلانه و متوازن در سطح جهانی باشد.

دکتر پزشکیان خاطرنشان کرد: جمهوری

اسلامی ایران آمادگی دارد با رویکردی مسئولانه و با مشارکت تمامی کشورهای منطقه، در مسیر تثبیت و تقویت صلح و امنیت پایدار نقش‌آفرینی کند.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه رویکرد و خواست جمهوری اسلامی ایران ایجاد جهانی سرشار از صلح، امنیت و عازری از جنگ، خشونت و درگیری است، تصریح کرد: باور ما این است که انسان‌های آگاه و برخوردار درک عمیق انسانی، هیچ‌گاه در پی جنگ نبوده‌اند و نخواهند بود و مسیر گفت‌وگو و همکاری را بر تقابل

مدیرمسئول روزنامه جوان در گفت‌وگوی ویژه خبری:

آرایش رسانه‌ای ما باید متناسب با آرایش دشمن بازآفرینی شود

سخن می‌گویند، تشکیک و ابهام‌تولید می‌شود.

جریان رسانه‌ای کشور با سه بحران اصلی مواجه است: بحران مهارت، بحران مرجعیت اطلاعات و بحران دسترسی به حقیقت. ما کمیت را جایگزین کیفیت کرده‌ایم و تصور می‌کنیم هر چه رسانه بیشتر باشد، بهتر است، در حالی که این تعدد مرجعیت رسانه را از بین می‌برد.

آقای مهدیان، ارزیابی شما از میزان کنشگری رسانه‌ها در برابر دشمن چیست؟

نگرانی من این است که پس از تأکید رهبری بر «آرایش جنگی»، به جای تغییر واقعی، به آسیب‌شناسی‌های تکراری رسانه‌ای بسندند کنیم. مسئله اصلی کمبود بودجه یا تعدد خبرگزاری‌ها نیست. آرایش جنگی یعنی تغییر کامل مدل مدیریت و کنشگری. رسانه‌هایی توانمند هر کدام مسیر خود را می‌بوند. باید دقیقاً دید دشمن چه می‌کند و متناسب با آن آرایش گرفت. جنگ شناختی امروز با گذشته متفاوت است. دشمن به این نتیجه رسیده است که اگر نظام فکری یک ملت را تسخیر کند، تسخیر خاک آن می‌شود، بنابراین مدل‌های سنتی خبرنگاری و پوشش خبری پاسخگو نیست، حتی نقدهای ظاهراً درست، اگر بدون توجه به اثرشان بر مخاطب باشد، می‌تواند در زمین دشمن بازی کند.

آقای آخون، شما نقدر با این دیدگاه موافقت؟
اصل موضوع درست است: آرایش ما باید متناسب با آرایش دشمن اصلاح شود. نگاه صرفاً واکنشی و دفاعی کافی نیست. دشمن زمین بازی رسانه را در اختیار دارد، اما این به معنای تسلیم نیست. باید آرایش تهاجمی داشت و نقاط ضعف دشمن را هدف گرفت. این کار نیازمند عمق معرفتی است و رسانه به تنهایی نمی‌تواند آن را انجام دهد. تولید پیام فرایندی فکری است و رسانه فقط نقطه انتهای آن است.

رسانه‌ها در عمل باید وارد چه فاز می‌شوند؟

خدا‌دی: رسانه اثرگذار رسانه‌ای است که آرایش تهاجمی داشته باشد. دفاع صرف ضرب نمی‌گیرد. برجسته‌سازی، انتخاب درست موضوع و تمرکز بر مسائل اصلی کشور اهمیت دارد. ما به جای ۱۵ هزار رسانه پرکرند، نیازمند تمرکز، ارتقای مهارت و استفاده از نخبان هستیم. تجمع رسانه‌ها، افزایش کیفیت سرمایه انسانی و پرهمیز از رقابت‌های مخرب درونی از الزامات این مسیر است.

را‌حل عملی چیست؟

آخون: مهم‌ترین دارایی رسانه سرمایه انسانی آن است. تحول واقعی، تحول انسانی است. فعال رسانه‌ای باید بداند که افسر جنگ شناختی است، نه صرفاً کارمند رسانه. این تحول نیازمند ورود دانشگاه‌ها، نهادهای آموزشی و سیاستگذاران به میدان است.



بروجردی: از حقوق قانونی ملت کوتاه نمی‌آیم

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه از حق مردم ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای عقب‌نشینی نخواهیم کرد، گفت: ایران مانند سایر کشورها، فرامین دیکته‌شده آمریکا را نمی‌پذیرد. علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با اپرنا گفت: آنچه‌ا آمریکا می‌هاز جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند و ویتکاف (فرستاده آمریکا به منطقه غرب آسیا) به طور مشخص در تماس تلفنی با وزیر امور خارجه کشورمان مطرح کرده بود، در حقیقت پذیرفتن نتیجه مذاکرات دیکته شده است که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده ما مانند دیگر کشورها نیستیم که فرامین آمریکا را بپذیریم و اجرا کنیم.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران نظام مقتدری است که سالیانه مقابله با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه را دارد و پیش از این هم سرپنازهای متجاوز آمریکا را در آب‌های خلیج فارس به اسارت گرفته و پایگاه‌های نظامی آمریکا را هم در منطقه مورد هدف قرار داده است.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تأکید بر اینکه این سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا در آینده هم ادامه خواهد داشت، تصریح کرد: اگر طرف مقابل دچار اشتباه محاسباتی در قبال ایران شود، قطعاً ما با قدرت بیشتری پاسخ آنها را خواهیم داد، بنابراین مذاکره به معنی القای نقطه نظرات امریکا به فضای سیاسی ایران نیست و این رویه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه جایگاهی نخواهد داشت.

بروجردی با تأکید بر اینکه در ۴۷سال گذشته، آمریکا در پی القای این سیاست بوده که هنوز موفق نشده است، تصریح کرد: بسیاری از کشورها در قبال فشار آمریکا کوتاه می‌آیند و عقب‌نشینی می‌کنند و تصور آمریکا این است که ایران نیز مانند همان کشورهاست، اما جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها ثابت کرده به عنوان کشوری که دارای قدرت نظامی است، در برابر این زیاده‌خواهی‌ها می‌ایستد و از منافع و امنیت خود دفاع می‌کند.

ادراکات

سرمایه غیر قابل معامله

هویت ملت‌ها ستون اصلی هر جامعه است و ریشه ثبات و توسعه کشورها را تشکیل می‌دهد. این هویت شامل تاریخ، فرهنگ، زبان، باورها، ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی است که با سرشت و استقلال ملت‌ها تراط مستقیم دارد.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۷۵ خود نوشته است: قدرت‌های جهانی به‌ویژه غرب، از قرن‌ها قبل به اهمیت این مؤلفه پی برده‌اند و تلاش کرده‌اند با دستکاری یا تضعیف آن، نفوذ و سلطه خود را گسترش دهند.

در استعمار سنتی، کنترل مستقیم منابع و اشغال نظامی ابزار اصلی بود. اما استعمار نوین و مدرن با استفاده از ابزارهای فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای و فناوریانه بدون نیاز به اشغال مستقیم، به تلاش برای تغییر هویت ملت‌ها پرداخته است. فرهنگ و رسانه اولین خط

مقدم حمله علیه هویت ملت‌ها به شمار می‌رود. شبکه‌های جهانی، موسسات موسیقی، تبلیغات و شبکه‌های اجتماعی، تصویری از ارزش‌ها و هنجارهای غربی ارائه می‌دهند و هم‌زمان فرهنگ‌ها و سنت‌های محلی را به حاشیه می‌رانند. الگوهای زندگی غربی شامل فردگرایی، مصرف گرایی، سکولاریسم و ارزش‌های مادی به عنوان معیارهای جهانی معرفی می‌شوند و به‌موارات آن، باورها و سنن بومی و محلی کم‌اهمیت جلوه می‌کنند. این روند، نسلی ایجاد می‌کند که فاصله مننایی و احساسی با گذشته فرهنگی خود پیدا می‌کند و آماده پذیرش هنجارهای غربی می‌شود.

نظام آموزش و بازتعریف تاریخ، از دیگر استعمار مدرن است. کنترل محتوای آموزش، برنامه‌های درسی و تولید محتوای علمی و رسانه‌ای، امکان بازنویسی تاریخ و ارزش‌های ملت‌ها را فراهم می‌کند. تاریخ ملی بازتعریف می‌شود تا استقلال و مقاومت ملت‌ها کم‌اهمیت جلوه کند و تصویری یک ملت نیازمند هدایت خارجی ارائه شود. این روش باعث می‌شود نسل‌های آینده از ریشه‌ها و هویت واقعی خود فاصله بگیرند. فناوری و شبکه‌های اجتماعی وسعت این استعمار را چند برابر کرده است. مرزهای جغرافیایی در انتقال اطلاعات از بین رفته است و اخبار و محتواها در سطح جهانی منتشر می‌شوند. رسانه‌های دیجیتال با طراحی محتوا، ایجاد شکاف اجتماعی و انتشار الگوهای رفتاری غربی، هویت جمعی ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. حتی درخ‌د فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی که به‌ظاهر مستقل هستند، اغلب زیر نفوذ کمپین‌های فرهنگی و رسانه‌ای غرب شکل می‌گیرند. فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی نیز مکمل ابزارهای دیگر هستند. تغییر حکومت‌ها، عملیات روانی، تهدیدهای نظامی و تحریم‌های اقتصادی، بخشی از پروژه تغییر هویت ملت‌ها به نفع غرب است. این اقدامات با پیام‌هایی ظاهراً جذاب مانند «دموکراسی»، «حقوق بشر» یا «توسعه پایدار» همراه می‌شوند، اما هدف واقعی آنها جایگزینی هویت بومی با هنجارهای استعماری است. نمونه‌های متعدد در غرب آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که پروژه‌های دموکراتیزاسیون غربی اغلب با بازسازی فرهنگی و سیاسی ملت‌ها همراه شده‌اند، و ویژگی بارز استعمار نوین، ترکیب فشار نرم و سخت است.

فشار نرم از طریق رسانه، فرهنگ، اقتصاد و فناوری اعمال می‌شود و فشار سخت از طریق تحریم، تهدید نظامی یا خرابکاری تکمیل می‌شود. این ترکیب باعث می‌شود ملت‌ها بدون اشغال مستقیم، تحت نفوذ قرار گیرند و باورهای آنها به نفع بیگانه بازآرایی شود. پیامدهای جهانی این پروژه‌ها شامل تضعیف انسجام ملی، کاهش اعتماد عمومی به حکومت‌ها، افزایش وابستگی به قدرت‌های خارجی و افزایش مهاجرت است، همچنین نابرابری‌های اجتماعی، کاهش سرمایه انسانی و آسیب به امنیت و استقلال ملی، اثرات بلندمدت این اقدامات محسوب می‌شوند.

باوجود این فشارها، هویت‌های مقاوم نشان داده‌اند که قابل محو شدن نیستند. ملت‌هایی که ریشه تاریخی و فرهنگی عمیقی دارند، با تقویت آموزش ملی، رسانه‌های مستقل و انسجام اجتماعی توانسته‌اند پروژه‌های تغییر هویت غرب را ناکام بگذارند. نمونه بارز این مقاومت ایران است؛ ملتی با تمدن چند هزارساله که توانسته است هویت تاریخی و اسلامی خود را با وجود فشارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خارجی حفظ کند.

در ایران بازتولید ارزش‌های ملی و دینی در مدارس و رسانه‌ها و نیز تلاش نظام جمهوری اسلامی برای احیای میراث فرهنگی و تاریخی، نمونه‌هایی از استراتژی‌های موفق برای مقابله با تغییر هویت هستند. تجربه ملت‌های مقاوم نشان می‌دهد که هویت ملت‌ها سرمایه‌ای غیر قابل معامله است. ملت‌هایی که با آموزش ملی، فرهنگ اصیل، رسانه‌های مستقل و انسجام اجتماعی تأکید دارند، می‌توانند پروژه‌های غربی برای تغییر هویت را ناکام بگذارند. حفظ هویت، هم میراث گذشته و هم ابزار اصلی استقلال و امنیت ملی در آینده است.

هویت ملی تضمین‌کننده پایداری در برابر فشارهای خارجی و ابزار مقابله با نفوذ و سلطه استعمار نوین به شمار می‌رود. این درس تاریخی، اهمیت استراتژیک هویت را برای هر کشور و ملتی روشن می‌سازد.